

# بررسی زندگی پس از مرگ پرهیزگاران از دیدگاه زرتشت

(بر اساس متن‌های اوستایی و پهلوی)

فلورانس نامجویان

دانشجوی دکتری فرهنگ و زبان‌های باستانی

## چکیده

مقاله‌ی حاضر نتیجه‌ی مطالعه‌ی دقیق‌گات‌ها و برخی دیگر از متن‌های اوستایی<sup>۱</sup>، پهلوی<sup>۲</sup> و کتاب‌هایی که در فهرست سرچشمه‌ها ذکر شده است، می‌باشد.

این مقاله ابتدا به معرفی پایه‌های بنیادین و هدف تبلیغ دین زرتشت می‌پردازد و در آن عقیده‌ی فناپذیر بودن ارواح و پیدایش مجدد جهان، زمانی که همه چیز به پایان می‌رسد، به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین تعالیم زرتشت معرفی می‌کند. سپس مرگ را با توجه به متن‌های مختلف اوستایی و پهلوی تعریف می‌کند و گام به گام سرنوشت روان پرهیزگار، از لحظه‌ی مرگ تا سه‌شنبه‌روز پس از مرگ، ظهور دئنا، ظهور داوران آسمانی، عبور از پل چینوت و رسیدن به مرحله‌ی سعادت ابدی، تعقیب می‌کند.

این مقاله با توجه به سرچشمه‌های موجود، سرنوشت روان پرهیزگار و ناگزیر بودن او از طی این مرحله‌ها تا رسیدن به آن مقام یکتای مقدس و «کسب حیات معنوی» را به‌طور دقیق ترسیم می‌کند.

در انتها به بیان ابیاتی از مولانا، شاعر متفکر زیباندیش پرداخته شده است که:

در کون و مکان نیست به غیر از یک نور  
ظاهر شده آن نور به انوار ظهور  
حق نور و تنوع ظهورش عالم  
توحید همین است و دگر وهم و غرور

۱. این متن‌ها شامل هادخت نسک، وندیداد و یشت‌ها است.

۲. این متن‌ها شامل مینوی خرد، بندهشن، شایست ناشایست، ارداویرافنامه، روایت پهلوی، دادستان

دینی، گزیده‌های زادسپرم، روایت امید اشتوهستان است.

## واژه‌های کلیدی:

زرتشت<sup>۱</sup> - معاد<sup>۲</sup> - پرهیزگار<sup>۳</sup> - قضاوت<sup>۴</sup> - بهشت<sup>۵</sup>

## پیش‌گفتار:

«کسانی که برای خشنودی من از او (زرتشت) اطاعت کنند چنین کسانی به واسطه‌ی سعی‌شان برای منش پاک به تکامل و جاودانی رسند.» (اشتودگات - یسنای چهل و پنج، بند پنج) اهورامزدا به پیروان دین زرتشت چنین فرموده بود و این پیغامی است پر از امید برای آینده. پیغام جاودانگی زرتشت را در پایه‌های بنیادین این دین می‌توان جست در یکتایی اهورامزدا، اندیشمندی و پیامبری او، پویای آفرینش (سپنتامینو)، بنیاداشه، دوگانگی اهریمن، آزادی‌گزینش، میژده<sup>۶</sup>، پویایی و تازه شدن جهان (فرش کرت).

تنها هدف تبلیغ زرتشت در روی زمین هدایت بشر برای انتخاب راستی و اطمینان دادن به آن‌ها در دستیابی به رستگاری و فلاح ابدی است. این مظهر نجات در یک حس روحانی خلاصه می‌شود و آن نامیرایی و جاودانگی زندگی پس از مرگ است.

این مقاله بر آن است تا پس از تعریف مرگ در متن‌های زرتشتی، سرنوشت روان پرهیزگار را گام به گام از زمان مرگ، سه‌شنبه‌روز پس از مرگ و دادرسی فردی، عبور از پل چینوت، ظهور دئنا، داوری با حضور داوران منصف محکمه‌ی سماوی و تا جایی که روح به سعادت می‌رسد را ردیابی کند.

در این تحقیق از متن‌های مختلف اوستایی (گات‌ها، هادخت نسک، ویشتاسب یشت، ونیدیداد) سرچشمه‌های پهلوی (دادستان دینی، روایت پهلوی، مینوی خرد، بنددهش، ارداویرافنامه و روایت امیداشوهستان) و دیگر سرچشمه‌های فارسی زرتشتی استفاده شده است، تا تصویری روشن از سرنوشت روان پس از مرگ ترسیم شود.

1. Zarathusht

2. Future life

3. Religion man

4. Judgement

5. Paradise

۶. مهر، فرهنگ، «دیدنی نو از دینی کهن، فلسفه‌ی زرتشت»، انتشارات جامی، تهران، ۱۳۷۴، صفحه‌ی

## بررسی زندگی پس از مرگ

در متن‌های زرتشتی «مرگ» را جدا شدن جسم از روان و روح تعریف می‌کنند آن چنان که در متن‌های اوستایی آمده است: «هوش از او بشود، بزند که جدا کند جان را از تن<sup>۱</sup>». «آن‌گاه گفت اهورامزدا بی‌درنگ پس از مرگ ای اسپتمه زرتشت، که شعور از تن برود...<sup>۲</sup>» متن بندهشن ایرانی نیز مرگ را پیوستن روان جاودان به فروهر، تن به زمین، جان به باد، آیین به خورشید دانسته است<sup>۳</sup>.

تجربه‌ی روان در سه شبانه‌روز پس از مرگ و نیز وظایف بازماندگان نکته‌ی بسیار مهمی است که همواره ذهن بشر را به خود معطوف کرده است. شیون و مویه کردن برای درگذشتگان زیبنده نیست و حتا بنا بر باور متن‌های زرتشتی اشک‌های ریخته چون مرداب سیه‌آبی می‌شوند که راه روان را در گذر و رسیدن به بهشت مسدود می‌کنند.<sup>۴</sup> بهره‌ی خیرات و اعمال ثواب و کرفه‌ای که به نیابت از فرد درگذشته بازماندگان انجام می‌دهند، برای او بسیار خواهد بود. به این نحو که تمام اعمال نیکی که بازماندگان به نیابت از شخص درگذشته انجام می‌دهند، به هر اندازه و مقدار و در طی هر چند سال که این اعمال انجام پذیرد (حتا تا روز ظهور سوشیانس)، ثوابش در روز دادگاه ستوش به حساب او خواهد آمد.

آن خیرات باعث کاهش مکافات او خواهد شد. گناهانش با رحم بیش‌تری ارزیابی خواهد شد و باعث ازدیاد شادی و بزرگداشت روح می‌شود. چنین آمرزشی، تعالی روح را نیز به همراه خواهد داشت. لیکن تفاوت بین اعمال نیکی که فرد در دوران حیات انجام داده و آن‌هایی که دیگران پس از مرگش انجام داده‌اند در این است که آن‌هایی که در حین حیات انجام داده است یکی پس از دیگری به او بر می‌گردد و هر کدام به بعدی اضافه می‌شود، لیکن آن‌هایی که پس از فوت او صورت می‌گیرد هر تعداد که باشد به روند مذکور به او بر نخواهد گشت<sup>۵</sup>.

دینکرد<sup>۶</sup> موضوع را چنین به تصویر می‌کشد که سه روز پس از مرگ روان در کنار جسم می‌ماند و سعی در محافظت جسد از تجزیه شدن می‌کند.

۱. رضی هاشم، «وندیداد برگردان، واژه‌نامه، یادداشت‌ها»، انتشارات فکر روز، تهران، ۱۳۷۶، فرگرد پنج، بند سی و هفتم صفحه‌ی ۵۵۶.
۲. همان منبع، صفحه‌ی ۷۴۱-۷۴۶.
۳. بهار. مهرداد، «پژوهشی در اساتیر ایران»، انتشارات آگاه، تهران پاییز ۱۳۷۶، صفحه‌ی ۷۱-۷۵.
۴. عقیقی. رحیم، «ارداویرافنامه»، انتشارات توس، تهران، ۱۳۷۲، فصل ۱۶، صفحه‌ی ۳۹.
۵. صفای اصفهانی. نزهت، «روایت امید اشوهشتان»، انتشارات نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۶، صفحه‌ی ۲۳۱.
6. DASTURE CURSETJI PAVERY, JAI, "Zoroastrian Doctrine of a Future Life" Ams Press INC, NewYork, 1965.

زمانی که روان جسدش را نابود شده میبیند، غم سنگینی را بهدوش می‌کشد و غصه و هراس وی مانند میشی است که یکی از بره‌هایش به‌خطر افتاده و نجات او تهدید شده است. این پریشانی سبب از هم‌پاشیدگی تن شاد و زیبایش می‌شود.

بندهشن ایرانی<sup>۱</sup> اضافه می‌کند که در آن سه شب که تباهی و آشوب به‌تن رسد، روان را چنان دشوار می‌افتد که خانمان مردی را برکنند و در آن سه روز به‌آن امید به‌بالین تن می‌نشینند که باشد که خون به‌تن تازد و روان را توان بازگشتن به‌تن باشد. روح آرامش خود را در شب اول به‌دلیل پندارهای نیک و در شب دوم به‌خاطر گفتارهای نیک و در سومین شب به‌دلیل اعمال نیکش به‌دست می‌آورد در صورت داشتن گناه نخستین مجازات را در طی شب سوم می‌بیند. دادستان دینی<sup>۲</sup> تجربه‌ی او را چنین بیان می‌کند که هنگامی که روان از تن جدا شد تن بی‌جان، بی‌حرکت و تهی از احساس است و به‌دلیل درک روحانی از آن چه اتفاق می‌افتد، آگاه است. روان پریشانی را به‌دلیل نجات در سرنوشتش به‌خود راه نمی‌دهد (روح پرهیزگار به‌جایگاه خود مشکوک است لیکن موقعیتش را زود خواهد شناخت). با توجه به‌برخی دیگر متن‌های پهلوی روان پرهیزگار در هنگام جدایی از تن سرشار از شادی بسیار است و همه‌ی این حالت‌ها نتیجه‌ی بینش روحانی و حاصل جمع‌آوری شایسته‌هایی است که هنگام زندگی دنیوی خود کسب کرده است. چنین روحی بی‌تردید به‌تن پسین ایمان دارد و پیوستن جسم به‌روان را در رستاخیز می‌داند.

هادخت نسک<sup>۳</sup> روان پرهیزگار را در سه‌شبانه‌روز پس از مرگ در جایگاه زمین خود در موجی از بیم و امید می‌بیند، در آن سه شب در کنار سر می‌نشیند، اشدودگاه‌سرایان<sup>۴</sup> و نیکی‌گویان است و بر آن است که اهورامزدا که به‌کام خود بر هرچیز فرمان می‌راند خواسته‌هایش را به‌او می‌دهد. در آن شب‌ها روان چنان احساس شادی می‌کند مانند همه‌ی آن چه انسان زنده احساس

۱. نوایی. ماهیار - جاماسب. کیخسرو - طاووسی محمود، «دست‌نویس بندهشن ایرانی، روایت امید اشتوهستان و جز دست‌نویس شماره‌ی ۵۴»، انتشارات مؤسسه‌ی آسیایی دانشگاه شیراز، ۲۵۳۷ هجری قمری صفحه‌ی ۱۹۹-۲۰۰.

2. West, E. W. "Dadestan-I Denig (Religious Decisions) translated from sacred Book of the East, volume 24", Oxford university press, page 13.

۳. میرفخرایی. مهشید، «بررسی هادخت نسک»، موسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۴، صفحه‌ی ۱۷-۱۸.

۴. میرفخرایی. مهشید، «روان و سه شب پس از مرگ»، فروهر، دینی، علمی، ادبی، اجتماعی، دوره‌ی سی و یکم شماره‌ی ۵ و ۶، مرداد و شهریور ۱۳۷۵، صفحه‌ی ۱۹-۲۱.

می‌کند. و یشتاسب یشت<sup>۱</sup> توصیف مشابهی را با جزئیات دیگر در این مورد بیان می‌کند. این‌که روان پرهیزگار در شب اول به خاطر گفتار نیک و شب دوم به دلیل اعمال نیک در کنار جسم می‌ماند و در شب سوم در دوراهی پل چینوت در پی سرنوشت خود است.

توصیف کلی ارداویرافنامه<sup>۲</sup> و روایت پهلوی<sup>۳</sup> با اندک اضافاتی به هادخت نسک شبیه است. در ارداویرافنامه توصیف شادی روان پرهیزگار این‌گونه است که به اندازه‌ی همه‌ی نیکی‌ها در گیتی، آسایش می‌بیند و در سپیده‌دم روز سوم در میان رایحه‌ی گل‌ها و گیاهان فرجام کار خویش را جست‌وجو می‌کند.

روایت پهلوی این نکته را بیان می‌کند که روان پرهیزگار با جامه‌ای سپید، در این سه شب منتظرانه در کنار کالبد زمینی‌اش می‌نشیند. در «صد در بندهشن»<sup>۴</sup> به مطالب جالبی اشاره شده است که زمانی که روان از تن جدا شود مانند کودکی است که از مادر بزاید و نیاز به دایه و قابله دارد. سروش چونان نگهبان و حامی باید خوانده شود تا از روان پشتیبانی کند.

نویسندگان پهلوی در تصویر ماهرانه از این‌که تا چه اندازه روان باید به سروش برای حمایت و محافظت او از تاثیر شیطانی اعتماد کند، مبالغه نکرده‌اند دادستان دینی حاوی این مهم است و در شایست ناشایست به این صورت ترسیم شده است:

در سراسر این سه روز یزشن سروش باید کرد، زیرا سروش، روان فرد را از دست دیوان می‌تواند برهاند. در روز اگر در هرگاه و زمان ستایش کند، نیکوتر است. چنان‌که در روز، سه بار همادین<sup>۵</sup> را بستایند. پس در شب سوم در هنگام سحر سه درون باید یشت یکی برای رشن و اشتاد دیگری برای وای به‌او سومین برای اردافرو. برای روز چهارم بریدن سر گوسفند جایز است.

اگر فرد در جای دور بمیرد، چون آگاهی رسد در آن جای که مرده، سروش یشته شود شایسته است وگرنه تا پایان سه شب یزشن سروش باید کرد و نتیجه‌ی کلام این‌که اگر وابستگان مرحوم

۱. اوشیدری. جهانگیر، «دانشنامه‌ی مزدیسنا»، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۸، صفحه‌ی ۱۱۲.

۲. نوایی. ماهیار، جاماسب کیخسرو، طاووسی. محمود «دست‌نویس بندهشن ایرانی، روایت امید اشوهستان و جز دست‌نویس شماره ۵۴»، انتشارات موسسه‌ی آسیایی دانشگاه شیراز، ۲۵۳۷ هجری قمری. صفحه‌ی ۸.

۳. فلیپ. ژینیو، «ارداویرافنامه»، برگردان آموزگار. ژاله، انتشارات معین، ۱۳۷۲.

۴. میرفخرایی. مهشید، «روایت پهلوی»، موسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۶۷، صفحه‌ی ۳۵.

۵. مزداپور. کتایون، «شایست ناشایست»، انتشارات موسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۶۹، صفحه‌ی ۲۳۰.

به نحو شایسته‌ای از سروش شفاعت طلبیده باشند سروش از روح محافظت می‌کند و به قول حافظ:

لطف الاهی بکند کار خویش      مژده‌ی رحمت برساند سروش  
زرتشتیان از دوره‌ی ساسانیان به بعد به‌آیین‌هایی که برای بزرگداشت سروش برگزار می‌شد اهمیت زیادی می‌دادند، به خصوص در مدتی که تصور می‌شد ارواح در این دنیا به سر می‌برند. پس از گذشت سه شبانه‌روز از مرگ فرد پرهیزگار به‌ادامه‌ی سفر روان براساس متن‌های اوستایی و پهلوی می‌پردازیم.

بندهشن گزارشش را چنین ارایه می‌کند که در سپیده‌دم روز چهارم پس از مرگ دئنا، خود مذهبی یا وجدان فرد پرهیزگار به‌چهره‌ی دوشیزه‌ی دوست‌داشتنی در می‌آید که در میان رایحه‌ی بادهای خوش‌بو و بخارهای معطر ظاهر می‌شود و این‌گونه دئنا به‌دیدار روح می‌رود. دادستان دینی<sup>۱</sup> از دئنا با نام دوشیزه‌ای که خزانه‌دار خوبی‌هاست و به‌دیدار روح می‌آید یاد می‌کند. بندهشن ایرانی<sup>۲</sup> علاوه بر تایید این مطلب از ظهور دوشیزه و حضور او در میان نسیم معتدل از گاوچاق و باغ سحر شده نیز سخن می‌گوید. همچنین در مینوی خرد این ایزد بانوی «دین» به‌استقبال محبت‌آمیز از روان‌های نیکوکار می‌رود، غم نیستی را برای آن‌ها به‌شادی تبدیل می‌کند.<sup>۳</sup>

این عقیده که یکی از شاه‌کارهای آیین مزدیسناست کم و بیش در اوستا و متن‌های پهلوی ذکر شده است. به خصوص در هادخت نسک تصویر دقیق از وضعیت خوشبختی که با حضور دئنا به‌روح می‌رسد، ذکر شده است. زیبایی دئنا را به‌دلیل همان پندار، گفتار و کردار نیک روان می‌داند. زیرا در زمان دیوپرستی دیگران، او پرستش ایزدان کرده است. در زمان دزدی و ستم دیگران، مردمان را از بزه دور کرده، زمانی که دیگری خون‌گاو را با هوم می‌آمیخت و گناه‌کاری می‌کرد، پس او نشست و گاهان را سراپید. آب‌های نیک، آتش اهورامزدا و مرد پرهیزگار را ستایش کرد. این چنین بود که دئنا زیباتر، عزیزتر و محبوب‌تر شد. علاوه بر توصیفی که در هادخت نسک در این مورد آمده است وندیداد<sup>۴</sup> نیز درباره‌ی پدیدار

۱. مزداپور. کتابیون، «شایست ناشایست»، انتشارات موسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۶۹، صفحه‌ی ۲۳۰.

۲. رضی. هاشم، «وندیداد (برگردان، واژه‌نامه، یادداشت‌ها)»، انتشارات فکر روز، تهران، ۱۳۷۶، فصل بیست و پنجم، صفحه‌ی ۱۲.

۳. صفای اصفهانی، نزهت، «روایت امید اشوهشتان»، انتشارات نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۶، صفحه‌ی ۲۰۰-۲۰۱.

۴. تفضلی. احمد، «مینوی خرد»، انتشارات توس، ۱۳۶۴، صفحه‌ی ۱۲-۱۳.

شدن دئنا به ظاهر دو سگ بر روح پرهیزگار سخن به میان آورده است، از دو سگ که به شکل دوشیزگانی از روح در برابر دیوها پشتیبانی و محافظت می‌کنند.

گزارش موجود در وندیداد با آن چه در هادخت نسک و هم‌تایش ویشتاسب یشت آمده، متفاوت است. این تفاوت نه تنها در توصیف دوشیزه دوست‌داشتنی است، بلکه در ادامه‌ی سفر روحانی روح است. بر این اساس دئنا روح پرهیزگار را تا جایگاه محاکمه در پل چینوت هدایت می‌کند و پس از صدور حکم، روح پرهیزگار را از میان پل چینوت فاتحانه و با شادکامی می‌گذراند. نکته‌ی قابل توجه این است که براساس متن‌های پهلوی (ارداویرافنامه، روایت پهلوی) ملاقات دئنا با روح پس از داوری است نه پیش از آن.

گزارش برجسته‌ی صد در بندهشن توصیف می‌کند که روح پرهیزگار تجسم اعمال زمینی خود را پس از داوری و مادامی که از پل چینوت می‌گذرد می‌بیند.

براساس گزارش‌های ارایه‌شده در مینوی خرد و بندهشن ایرانی، روان پرهیزگار سفر خود را تا آن سوی آن سوها با کمک نیروهای نیک، سروش مقدس، وای نیک و بهرام نیرومند آغاز می‌کند، اما از مواجه شدن با موانع و مخالفت‌های نیروی شر استویهداد، فرزیشت، نزیشت و دیگر دیوها در مسیرش مصون نمی‌ماند.

این گروه همیشه مشتاق هستند که روح را به جهنم بکشانند، بدون توجه به این که پرهیزگار یا گناه کار است، بی آن که منتظر محاکمه‌ی روح در جایگاه قضاوت و تعیین سرنوشتش باشند. به‌طور کلی صحنه‌ی حسابرسی روح پس از مرگ در بسیاری متن‌ها تکرار شده است. آن چه روشن است، پس از مرگ دو نیروی نیک و بد با هم در کشمکش هستند. نبرد، سه روز به طول می‌انجامد. در سپیده‌دم روز چهارم پس از مرگ، با دخالت داوران، سرنوشت روح مشخص می‌شود.

براساس گات‌ها، اهورامزدا داور عالی‌رتبه‌ای است که تصمیم‌گیری نهایی و آخرین قضاوت بر عهده او است. زرتشت<sup>۱</sup> خود را داور منتخب اهورامزدا می‌داند. به این ترتیب شاید هیات داور در پل چینوت اهورامزدا، دستیاران او امشاسپندان<sup>۲</sup> و دیگر پیروان اهورایی او سروش، رشن و زرتشت باشند. در وندیداد مقام عالی‌رتبه را میترا دارد و همکاران او سروش و رشن او را در داوری یاوری می‌دهند. در متن‌های پهلوی نیز به میترا، رشن و سروش که به‌عنوان داوران این محکمه‌ی سماوی هستند، اشاره شده است.

سرانجام مطابق با گات‌ها روح در جایگاه داوری فردی با حضور یکی از همکاران سماویش

۱. پورداوود. ابراهیم، «گات‌ها»، انتشارات اساتیر، یسنای ۵۱، بند چهارده و یسنای ۵۰، بند چهارم.

۲. رضی. هاشم، «وندیداد (برگردان، واژه‌نامه، یادداشت‌ها)»، انتشارات فکر روز، تهران، ۱۳۷۶، جلد

چهارم، فرگرد نوزده، بند سی‌ام.

دئنا ایستاده است که از پیش نیز حساب زندگی به آن جا منتقل و اعمال نیک و بد با عدل بی نقص الاهی سنجیده می شود و سپس نوبت به عبور از پل چینوت می شود.

پرسش بسیار مهم این جاست که چه کسی دریافت کننده ی حساب اعمال نیک و گناهان در طول زندگی شخص، دادرسی فردی و در نهایت رستاخیز عظیم است؟ در پاسخ به این نکته، دادستان دینی این گونه تفسیر می کند که وهومن (بهمن) فرشته ی مقرب، گیرنده ی حساب اعمال نیک و گناهان فرد است. زیرا روزانه در سه نوبت گیرنده ی پندارها، گفتارها، کارهای فرد در طول زندگی دنیوی بوده است. به گفته ی مهر، وی حتا دریافت کننده ی گناهی است که متهمان در گیتی بر جسمها و فرصت های محدود خود روا می دارند.

در مراسم سدوش، سروش پرهیزگار و رشن عادل اعمال نیک و گناهان را می سنجند. در تن پسین و فرجام حساب رسی اورمزد خالق گیرنده ی حساب است و همه ی مراسم، پندارها، گفتارها و اعمال مخلوقات به دانش بی کران او وابسته است.

سایر متن های پهلوی ذخیره ی آسمانی اعمال نیک را در آسمان و جایگاه آن را میسونوگاتو می دانند که آن را جایگاه سود همیشه ی تفسیر کرده اند و سرانجام روح پرهیزگار پس از داوری از پل چینوت یا صراط به درجات بهشت می رسد. امشاسپند بهمن به پیشباز روح آمده و به او خوش آمد می گوید و روان نیکوکار را در آسمان برین به گروتمان که جایگاه اهورامزدا است می رساند. آن همان تکامل و جاودانی است که زرتشت نویدش را داده بود. این گونه زرتشت کلید سعادت و فلاح ابدی را در عمل به سه واژه ی هومت<sup>۱</sup>، هوخت<sup>۲</sup>، و هورشت<sup>۳</sup> دانست<sup>۴</sup>.

رفتار انسان، اختیاری است ولی بازتاب آن اجباری است و این جزیی از قانون حاکم بر هستی است، لیکن با عمل به این سه واژه است که می توان در قضاوت فردی و داوری همگانی (رستاخیز عظیم) به رستگاری و نامیرایی رسید<sup>۵</sup>.

۱. آموزگار، ژ، تفضلی، ا، «استوره زندگی زرتشت»، نشر چشمه، تهران، ۱۳۷۵، صفحه ی ۵۸.

۲. خنجری، خداداد، «نیک و بد در آیین زرتشت»، چیستا ۱۳۷۵، دوره ی ۱۲، شماره ی ۵ (بهمن ۱۳۷۳) صفحه ی ۳۴۲-۳۴۸.

۳. خنجری، خداداد، «بهشت و دوزخ از دیدگاه زرتشت»، چیستا، سیاسی، اجتماعی، علمی، ادبی، هنری، ۱۳۷۴، دوره ی دوازدهم، شماره ی ۷۰۶ (اسفند و فروردین ۷۳-۷۴) صفحه ی ۴۳۷-۴۴۳.

۴. راشد محصل. محمدتقی، «نجات بخشی در ادیان»، موسسه ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۶۹.

۵. راشد محصل. محمدتقی، «نجات بخشی در ادیان»، موسسه ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۶۹.